

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و برزنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

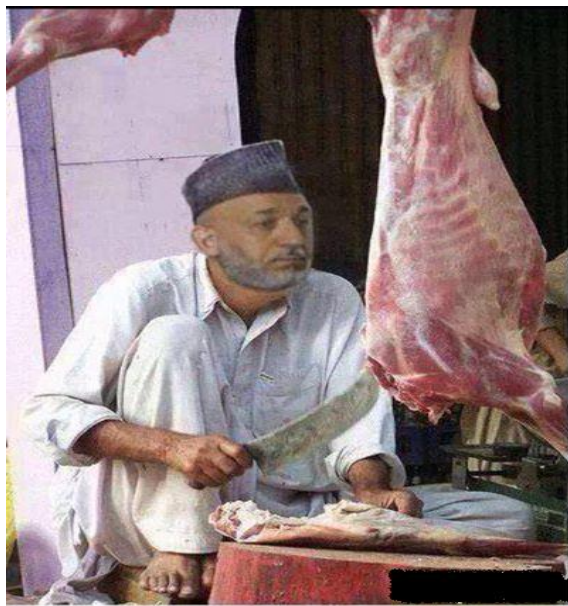
Ideological

مسایل ایدئولوژیک

آزاد ل.
۰۳ سپتمبر ۲۰۱۴

معجزه ؟؟؟!!!

۴



این هم معجزه نیست ، فکر می کنم سابقه کاری جناب باشد چون برادرانش از مدتها به اینطرف مصروف سلاخی
انسانهای بیگناه می باشد

به دوام معجزات محمد:

ملا گک های ما می گویند:

«اسراء» همان حرکت شبانگاهی پیامبر از مسجد الحرام تا مسجد الاقصی است، این سفر در «یک شب»، در بیداری و
با همین پیکر مادی تحقق یافت نه در شبها و روزهای طولانی یا در عالم خواب و با روح به تنهایی، آیات قرآنی و
شواهد تاریخی بر وقوع این سفر دلالت آشکار دارند، قرآن کریم می فرماید:

«سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ ءَايَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ
الْبَصِيرُ، منزله است آن [خدائی] که بنده اش را شبانگاهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی که پیرامونش را برکت
داده ایم، سیر داد تا از نشان های خود به او بنمایانیم که او همان شنوای بیبا است،»

این رویداد به وسیله شیعه و اهل سنت نقل شده است و کتابهای روائی و تاریخی، فراوان به آن پرداخته اند، البته جابه

جائی در فضا و پیمودن مسافت‌های طولانی در زمان کوتاه، در زندگانی دیگر پیامبران نیز سابقه داشته است؛ چنان که درباره حضرت سلیمان می‌خوانیم:

«وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحُ غُذُوها شَهْرٌ وَ رَوَّاحُها شَهْرٌ»، «و باد را برای سلیمان [رام کردیم] صبحگاهان مسیر یک ماه را می‌پیمود و عصر گاهان مسیر یک ماه را».

البته آنچه گفته شد، تنها درباره «اسراء» و حرکت شبانه‌های پیامبر از مسجد الحرام به مسجد الاقصی است که خود مقدمه «معراج» به شمار می‌آید، «معراج» از معجزات ویژه ای است که اسرار و لطایف عمیق‌تر دارد و از نشانه‌های برتری پیامبر اسلام و شرافت وی بر تمام جهانیان است.

بنده در یکی از نوشته‌های قبلی ام مفصلاً در باره معراج محمد نوشته ام و تکرار آن نوشته را لازم نمی‌بینم، خوانندگان عزیزی که علاقه مند دانستن نکته‌های مهم معجزات محمد به ارتباط معراج باشند با مراجعه به همان نوشته که در آرشیف همین پور توال آزادگان (افغانستان آزاد -آزاد افغانستان) موجود می‌باشد، نظر خواهند افکند.

به ارتباط موضوع شق القمر که قبلاً توضیحات داده شد فراموش نمودم نظریات بعضی ازین شیخک‌ها و دنباله‌روان را بنویسم که اینک به اختصار نظری به آن می‌افکنم.

از دیگر معجزات برجسته پیامبر اسلام که قرآن مجید از آن خبر داده و ما قبلاً اشاراتی به آن داشتیم «شق القمر» است، چنان که می‌خوانیم: «اَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَ انْشَقَّ الْقَمَرُ؛ وقت بسیار نزدیک شد و ماه شکافت»، (در هیچ جایی از قرآن گفته نشده که محمد ماه را دو نصف نمود)

انشقاق قمر، در پاسخ مشرکانی صورت گرفت که درخواست چنین کاری داشتند، تا به ارتباط پیامبر به علم و قدرت بی پایان خداوند پی برند، البته مشرکان با دیدن این اعجاز نیز به مسیر لجابت سابق خود رفتند: «وَ اِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَ يَقُولُوا سِحْرٌ مُسْتَمٌّ وَ هرگاه نشانه‌ای ببینند، روی بگردانند و گویند سحری همیشگی است».

در باره داستان شق القمر از ابن کثیر و در المنثور سیوطی و دیگران نقل شده، «المسلمین اجمعوا علی ذلک فلا یعتقد بخلاف من خالف فيه»، «مسلمانان بر انجام این معجزه اجماع دارند و از اینرو به گفتار مخالف اعتنائی نیست.

(این گفتار یکی از شیخک‌ها است ! خوشم آمد

و ابن شهر آشوب در مناقب گوید:

«اجمع المفسرون و المحدثون سوی عطاء و الحسن و البلخی فی قوله «اقتربت الساعة»، «انه اجتمع المشركون، و آنگاه داستان را نقل کرده»، و از علمای اهل سنت نیز فخر رازی در تفسیر مفاتیح الغیب در تفسیر سوره قمر گوید:

«المفسرون باسرههم علی ان المراد ان القمر حصل فيه الانشقاق...»

مفسران اسلامی همگی بر این عقیده‌اند که در ماه انشقاق پدید آمد و دو نیم شد...

و سپس داستان را بهمانگونه که ابن دنباله‌رو شیخک‌ها نقل کرده بیان می‌کند،

و از قاضی در شفاء نقل شده که گفته:

«اجمع المفسرون و اهل السنة علی وقوع الانشقاق»، «چنانچه ابن کثیر در سيرة النبوة گوید:

«و قد اجمع المسلمون علی وقوع ذلک فی زمنه علیه الصلاة و السلام و جاءت بذلك الاحادیث المتواترة من طرق متعددة تفید القطع عند من احاط بها و نظر فیها».

- مسلمانان اجماع بر وقوع آن در زمان آنحضرت دارند و حدیثهای متواتره نیز از طرق متعدده در این باره رسیده که برای هر کس که بدانها احاطه داشته و در آنها نظر افکنده موجب قطع خواهد شد.

و مرحوم علامه طباطبائی از دانشمندان و مفسران معاصر نیز فرموده:

«آية شق القمر بيد النبي(ص) بمكة قبل الهجرة باقتراح من المشركين مما تسلمها المسلمون بلا اړتيا ب منهن».

-معجزه شق القمر به دست رسول خدا در مکه پیش از هجرت بنابه درخواست مشرکان از موضوعاتی است که مسلمانها همگی وقوع آن را مسلم دانسته و تردیدی در آن نکرده اند.

و از دانشمندان معاصر اهل سنت نیز دکتر سعید بوطی نویسنده کتاب فقه السیره در اینباره گوید:

«و هذا امر متفق عليه بين العلماء انه قد وقع في زمان النبی(ص) و انه كان احدی

و این چیزی است که میان علماء مورد اتفاق است که در زمان رسول خدا اتفاق افتاده و یکی از معجزات اوست، (نظر

مخالفین مهم نیست !؟)

باز هم نظریات دنباله روان شیخ ها !! پیامبری که معجزه نداشت!

عده ای از مخالفان اسلام به منظور پائین آوردن مقام و منزلت پیامبر عزیز، ادعا کرده اند که پیامبر اسلام معجزه ای جز قرآن نداشت و تنها به وسیله آن مردم را به سوی خود می خواند... برخی از آن ها پا را فراتر نهاده و بر همین اساس از ریشه، پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله را زیر سوال برده اند، فندر، کشیش معروف المانی می گوید: از شرایط نبوت، ظهور معجزه است که محمد دارای آن نبوده است، زیرا در قرآن به صراحت آمده است: وی به آیات ۹۳ سوره اسراء و ۱۰۹ سوره انعام نیز استناد کرده است.

«مسیو ژرژ دوروی» نیز در کتاب خود عکسی از آن حضرت کشیده که قرآنی در دست دارد و در حال ورق زدن آن است، او در زیر آن عکس، نوشته است: «چون از این بزرگوار معجزه می خواستند در پاسخ به آنان می گفت: اختیار معجزه در دست من نیست و این نعمت به من عنایت نشده است،»

شیخ ها و دنباله روان شان همچنان می گویند :

پیامبر اکرم، بنابر شواهد قطعی و متواتر تاریخی، به جز قرآن معجزات فراوانی داشته است که برخی تعداد آن را افزون بر چهار هزار معجزه دانسته اند (**خلاف آیات قرآنی!**)؟ معجزاتی نظیر شق القمر، آگاهی از درون دیگران، شفای بیماران که بیان یک یک آن ها سخن را به درازا خواهد کشاند.

گروهی از این معجزات، مربوط به پیشگویی های پیامبر است که در قرآن نیز به برخی از آن ها اشاره شده است، (اما **قرآن نگفته که معجزه است ؟**) حتی اگر فرض کنیم که قرآن به تنهایی معجزه به حساب نمی آید، پیشگویی های قرآن که از زبان پیامبر به مردم ارائه شده، معجزه های محکم و استوار خواهد بود که جای هیچ تردیدی را باقی نمی گذارد، نمونه بارز این پیشگویی ها پیروزی امپراتوی بزرگ روم بر حکومت پر قدرت و پهناور فارس است، (**ضعف، فساد، خود کامکی قدرت مندان و پاشانی های نیروهای دولتی پارس و فتوحات و جهانگشایی رومی ها در آن زمان آنقدر مشهود بود که همه می دانستند ، نه تنها محمد، و در این باره کتابهای زیادی موجود است.**)

مسلماً معجزه بزرگی همچون قرآن که ماهیثاً متفاوت با همه معجزات انبیای گذشته است، برای اثبات پیامبری نبی اکرم، کافی است، معجزه ای که پس از ۱۴۰۰ سال هر روزی که از عمرش می گذرد، بر تازگی آن افزوده می شود و محتوای ناب آن پدیدارتر می گردد، معجزه ای که نه دست تحریف به آن گشوده شده و نه کسی توانسته مثل آن را بیاورد، با مراجعه به آیات استناد شده توسط مخالفان در می یابیم که این آیات، مربوط به معجزات درخواستی و پیشنهادی است، نه معجزات اثباتی و ابتدائی، بسیاری از کافران با معجزات و قراین فراوانی که از پیامبر دیده بودند، می دانستند که او راست می گوید، اما با این حال ایمان نیاوردند و به دنبال یافتن حقیقت نبودند.

این بود مختصری از معجزات و شرح و بسطی از طرف چلی گک ها و ملا های پیرو مذاهب سنی و شیعه ، که در این نوشته باز تاب یافت ، اما جالب ترین و مضحک ترین معجزه های نسبت داده شده به محمد پس از مرگ شان که معجزه تراشان عزیز به او نسبت داده اند و به تفهیم و قبولی آن بالای مردم خوش باور و صاف دل جهان اسلام از هیچ نوع زحمت و تلاش دریغ ننمودند همان **معجزه قدرت سکس سی و یا چهل مرد را محمد** یکجا داشت !!! می باشد

به احادیث زیر توجه بفرماید:

از انس بن مالک منقول است که: «از زمره معجزات آن حضرت قدرت فوق العاده او در جماع بود، که در هر شبانه روز با هر یازده همسر خود مجامعت می فرمود و در میان صحابه مشهور بود که آن حضرت قوه مجامعت سی مرد را یکجا در خود دارد.»

ولی ظاهراً همین اندازه قوت جماع نیز از نظر محدثان بزرگوار دیگری برای پیامبر کفایت نمیکرده است، زیرا خداوند مقتضی دیده است برای تقویت بازهم بیشتر آن، هریسه ای از بهشت توسط جبرئیل برای پیغمبر خود بفرستد، متن حدیثی که در این باره از امام جعفر صادق توسط ملا محمد باقر مجلسی در کتاب مستطاب حلیه المتقین نقل شده است چنین است:

«از حضرت امام صادق (ع) منقول است که خداوند عالم هدیه فرستاد برای رسول الله (ص) هریسه ای از هریسه های بهشت، که دانه اش در باغهای جنت روئیده بوده و حوریان بهشت آن را به دست خود عمل آورده بودند، پس حضرت رسول (ص) آن را تناول فرمودند و قوت چهل مرد برای مجامعت بر قوت آن حضرت افزوده شد، و این چیزی بود که خدا می دانست پیغمبرش را با آن خوشحال خواهد کرد،» (بلی!! خداوند کریم به زیر ناف محمد بیشتر توجه داشته تا کمک به به بینوایان!!) حلیه المتقین، باب سوم، (فصل هفتم) این یک معجزه شرم آور است!!؟؟

با خواندن این احادیث می توان فهمید که چرا محمد آنقدر شهوتی و زنباز و زن دوست بوده و هر کجا زن می یافت می گرفت! چونکه الله از بهشت میواه ای فرستاده بوده تا کمر محمد قایم تر شود!!!

این بود خلاصه ای از معجزات آن حضرت! که تعدادی ملا گک ها هر چه می دانستند به او نسبت دادند اما بهتر خواهد بود درین باره به قرآن و آیاتی که در باره معجزات محمد به اصطلاح نازل شده مراجعه و چند آیتی را طور نمونه ذکر کنیم

سوره انعام آیت ۵۰

(ای محمد) به آنها بگو من نمی گویم گنجهای خداوند در نزد من است و از غیب خبری دارم یا این که من فرشته ام، من تابع الهام ضمیر و رساندن وحی هستم.

سوره اعراف آیت ۱۸۸

بگو: من مالک سود و زیان خود نیستم، مگر آنچه خدا بخواهد، و اگر علم غیب می دانستم بر خیر خود بسی می افزودم و هیچ شری به من نمی رسید، من کسی جز بیم دهنده و مژده دهنده ای برای مومنان نیستم.

سوره اسراء آیت ۵۹

مارا از نزول معجزات باز نداشت، مگر این که پیشینیان تکذیبش می کردند، به قوم ثمود به عنوان معجزه ای روشنگر ماده شتر را دادیم، بر آن ستم کردند، و ما این معجزات را جز برای ترسانیدن نمی فرستیم.

سوره انعام آیت ۳۷

وگفتند: چرا معجزه ای از پروردگارش بر او نازل نشده؟ بگو خدا قادر است که معجزه ای فرو فرستد، ولی بیشتر ایشان نمی دانند.

این آیات به وضوح ضعف محمد را در انجام دادن عمل خارق العاده یعنی معجزه در زمان خودش نشان می دهند، اما مسلمانان بعد از مرگ محمد شروع به افسانه سازی در مورد او و امامان کردند

حال یک مسلمان خوش باور چه کار کند؟ به قرآنی که ایمان دارد آیات آن را به ارتباط معجزات پیامبر بپذیرد؟ و یا هم این همه افسانه گوئی و چرندیات این همه رقصان عربی و اشاعه دهندگان دین را؟؟؟؟؟؟؟؟

با مروری مختصر از جریاناتی به نام معجزه که می گویند اتفاق افتاده من چنین نتیجه می گیرم که تعدادی از رهبران

دین غرض تأمین منافع خود و وابسته ساختن نیرو های مردمی زیر تأثیر مستقیم خیالبافی به استعمار و در قدم دوم دنباله روان شیخک ها به شرح و بسط دادن همچو افسانه ها در طول تاریخ کوشا و ساعی بوده اند تا بتوانند با شست و شوی مغزی نسل ها را همیشه در اوهام و خرافات نگهداشته و بر مردم حکومت همه جانبه داشته باشند.

درین مختصر از توضیحات و شاخ و برگ دادن خرافات زیر نام معجزه توسط قشر مفت خوری که خود را به نام عالم دین، ملا، مولوی، آیت الله، حجة الاسلام، متفکر دینی، چلی، طالب و ... بر طرز بینش و تفکر مردم تحمیل نموده اند به وضاحت متوجه می شویم که تعدادی از آنها از معجزه تعبیری داشته و در توصیف آن چیزی دیگری شرح می دهند، مثلاً می گویند معجزه برای حقانیت و ثبوت پیامبری شخص مدعی بوده است اما در تشریحات زیر چنین عنوانی از سکس محمد و ... صحبت می دارند، نمی دانم این موضوع و ده های دیگر چه ارتباطی به حقانیت و ثبوت پیامبری محمد دارد؟؟؟

حال اگر پیامبر راه درست و اساسی را نظر به هدایت الله در نظر داشته و خواسته قانون معتبر الهی و انسانی را در جامعه عملی نماید چرا از افکار و طرح انسانی کمتر صحبت و یا اصلاً صحبت نکرده اند؟ چرا یک پیامبر به معجزه و هم زور و قدرت شمشیر خود را بر مردم تحمیل نماید؟ اگر او چیزی بر تر و بهتر برای بهبودی وضع انسانها می داند باید از آن حرف بزند و عمل کند نه نشان دادن معجزه؟؟ و یا از نیام کشیدن شمشیر؟؟ به هر صورت این بی شرمان!! یعنی همین ملا ها به اندازه ای در این یاهو گوئی ها به پیش رفته و می روند که قدرت جنسی محمد را هم یک معجزه می دانند؟؟ یعنی جناب ایشان به زور قدرت جنسی خود می خواستند منحیث یک پیامبر مورد قبول مردم باشند؟ با نظر داشت تبلیغات این همه خرافات از طرف مفت خوران جامعه بسادگی می بینیم که همه شاخ و پنجه دادن به این همه توهّمات آنها فقط یک منظور دارند و آنهم مسموم ساختن مغز های انسانی!! چون وقتی باورمندی یک مغز مسموم به این درجه برسد که خوردن ادرار معطر پیامبر او را تا ابد سیر نگه می دارد و یا این که چون جناب شان از چنان نیروی جنسی بر خوردار بوده است که با یازده خانمش می توانست در یک وقت مجامعت نماید!!؟؟ در ذهنیت شخص مریض مسموم شده خوش باور منحیث یک عقیده و باور مندی مقدس جایگزین گردد، کمتر توقعی می توان داشت که چنین آدمی در وقت کم دو باره به حالت یک انسان در آید، خیلی زحمت لازم است تا در روشنائی دانش و فهم با کار های سازنده! و مؤثر آن کثافات را از مغزش بیرون آورد و جایش، فهم، درک، دانش و عقلانیت را جایگزین ساخت، با وجودی که کارخانه استعمار در تولید این جنس خاین به مردم یعنی ملا و عالم دین سازی خیلی فعال است و روزانه به صد ها و هزاران آن را در سراسر جهان منحیث مکروب های مزمن و خطرناک صادر و تکثیر می کند از بین بردن آنها هم آنقدر نا ممکن نیست! فقط افشای ماهیت آنها! افکار ایشان و خرافاتی را که مذبحخانه تلاش دارند بر ذهنیت ها حاکم شود افشاء نمودن و مردم را به علم و دانش آشنا ساختن است و آن زمانی خواهد بود که این مکروب ها مورد حمله علمی، دانشی و انسانی انسانها قرار گرفته و از بین خواهند رفت

ختم